

واکاوی نقش و جایگاه هند در تحولات منطقه‌ای غرب آسیا از

۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴

امین نواختی مقدم^۱*

پیمان مجندهی^۲

چکیده

غرب آسیا به دلیل جایگاه ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، همواره کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. هند، به‌عنوان یک قدرت نوظهور آسیایی و یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان انرژی جهان، با روی کار آمدن نارندرا مودی، تمرکز سیاست خارجی خود را بر این منطقه افزایش داده است تا نیاز مداوم اقتصاد خود به نفت و گاز مقرون‌به‌صرفه را تضمین کند و از منافع حیاتی خود در حوزه حمل‌ونقل دریایی محافظت نماید. پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش و جایگاه هند در تحولات منطقه‌ای

۱- دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: navakhti@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی با گرایش مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: Peyman.mojandehi@yahoo.com

غرب آسیا و شناسایی ابزارهای سیاسی و اقتصادی مورد استفاده این کشور برای تأثیرگذاری بر منطقه انجام شده است. فرضیه اصلی این مقاله بر آن است که حضور هند در غرب آسیا، علاوه بر تأمین نیازهای انرژی برای توسعه صنعتی داخلی، با بهبود روابط تجاری، بازار مصرفی مناسبی برای محصولات هندی فراهم می‌آورد. همچنین، علاوه بر نقش اقتصادی، جایگاه نظامی و امنیتی هند، شامل همکاری‌های امنیتی، فروش تسلیحات و برگزاری مانورهای مشترک، به‌عنوان عامل تأثیرگذار دیگری مطرح است. این مقاله با استفاده از روش اسنادی برای گردآوری داده‌ها و روش توصیفی-تحلیلی برای تحلیل اطلاعات، به دنبال تبیین این نقش چندوجهی هند در سیاست منطقه‌ای است.

کلید واژه‌ها:

منطقه غرب آسیا، سیاست خارجی هند، تحولات منطقه‌ای، ژئواکونومیک، منطقه‌گرایی، تحولات ژئوپلتیک.

غرب آسیا، به دلیل موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک و استراتژیک، همواره به عنوان یکی از زیرسیستم های حیاتی نظام جهانی شناخته شده است. این منطقه، با وجود تنوع ساختاری و تحولات سریع، نقش کلیدی در معادلات بین المللی پس از جنگ سرد ایفا کرده و در مرکز تکانه های شدید دوران گذار در عرصه روابط بین الملل قرار دارد. برخورداری از این موقعیت خاص، بستر لازم را برای حضور و نفوذ مستقیم قدرت های بزرگ و فرامنطقه ای فراهم آورده است؛ قدرتی چون هند که در جستجوی گسترش نفوذ بین المللی خود می باشد. تمایل هند برای گسترش نقش آفرینی های بین المللی، شامل پافشاری برای کسب کرسی دائم شورای امنیت سازمان ملل و ترسیم منافع فرامنطقه ای در راهبردهای کلان، حاکی از عزم این کشور برای ایفای یک نقش فعال و پایدار در سطح جهانی است. در این مسیر، غرب آسیا سال هاست که نقش محوری برای دهلی نو داشته است. تلاش برای برقراری روابط مبتنی بر صلح و دوستی پایدار با کشورهای منطقه، علی رغم اختلاف نظرها و همچنین انعقاد پیمان های استراتژیک با قدرت های جهانی، نشان دهنده یک تغییر پیوسته، اما آهسته در جهت افزایش اعتبار و نفوذ بین المللی هند است. از منظر اقتصادی، حجم عظیم تجارت میان هند و کشورهای غرب آسیا (بالغ بر ۱۸۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۳) این منطقه را به بزرگ ترین شریک تجاری هند تبدیل کرده است. اقتصادهای هند و غرب آسیا مکمل یکدیگر هستند؛ هند به عنوان یکی از بزرگ ترین واردکنندگان انرژی همواره نیازمند تأمین مداوم نفت خام و گاز مقرون به صرفه برای حفظ پایداری اقتصادی خود بوده است، در حالی که کشورهای غرب آسیا به دنبال فروش انرژی و جذب نیروی کار ماهر هستند. در حال حاضر، منطقه خلیج فارس میزبان بیش از ۷ میلیون مهاجر هندی است که سالانه مبلغی حدود ۴۰ میلیارد

دلار به کشور خود حواله می‌کنند؛ این عامل، اهمیت غرب آسیا را برای ثبات اقتصاد داخلی هند دوچندان می‌سازد. تغییرات ژئوپلیتیکی اخیر، از جمله تنزل تدریجی نفوذ واشنگتن در خاورمیانه و کاهش تمایل شهروندان آمریکایی به حضور در این منطقه، فرصتی مغتنم برای حضور و نقش‌آفرینی قدرت‌های دیگر نظیر هند فراهم کرده است. کشورهای حاشیه خلیج فارس که در گذشته ایالات متحده را حامی اصلی امنیت خود می‌دیدند، اکنون به دنبال دوستان و حامیان جایگزین برای افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و بودجه دفاعی خود هستند که هند را به یک گزینه ارزشمند تبدیل می‌کند. همچنین، هند به دلیل داشتن یک جامعه میلیونی مهاجر و رویکرد نسبتاً بی‌طرفانه در مناقشات منطقه‌ای، جایگاه مناسبی برای میانجی‌گری دارد. علاوه بر این، رقابت ژئوپلیتیکی با پاکستان و چین و همچنین مبارزه با جریان‌ات جهادی، از عوامل سازنده سیاست خارجی هند است که بهبود روابط با کشورهای عربی را برای تضعیف موقعیت منطقه‌ای پاکستان ضروری می‌سازد. براساس الزامات توسعه اقتصادی و نیازهای امنیتی، سیاست خارجی هند در قبال خاورمیانه از اوایل دهه ۱۹۹۰ بازتعریف شده و بر مؤلفه‌هایی چون واردات نفت و گاز، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گسترش بازارهای صادراتی و رقابت ژئوپلیتیکی استوار گردیده است. از این رو، هند تلاش دارد تا با حضور نظامی، از ذخایر نفتی و امنیت حمل‌ونقل نفتکش‌ها محافظت کند؛ بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است: در تحولات منطقه‌ای غرب آسیا، هند چه نقش و جایگاهی دارد و سیاست خارجی آن برای تأثیرگذاری بر این منطقه از چه ابزارهای سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کند؟

چهارچوب نظری

ژئوپلیتیک به‌عنوان رویکردی تحلیلی در مطالعات روابط بین‌الملل، نقش موقعیت

جغرافیایی، منابع طبیعی و ساختارهای فضایی در تعیین سیاست‌های قدرت و استراتژی‌های ملی را برجسته می‌کند. (Kaplan, 2012) هند با دارا بودن موقعیت استراتژیک در جنوب آسیا و دسترسی به گذرگاه‌های حیاتی اقیانوس هند، یکی از بازیگران اصلی در بازتوزیع قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌شمار می‌رود. این موقعیت جغرافیایی هند، همراه با منابع گسترده انسانی و اقتصادی، آن را به عنصری کلیدی در معادلات ژئوپلیتیکی آسیایی تبدیل کرده است. نظریه قلب زمین (Heartland Theory) هالفورد مکیندر (۱۹۰۴) همچنان یکی از چارچوب‌های کلیدی در تحلیل ژئوپلیتیک اوراسیا محسوب می‌شود. مکیندر تأکید می‌کند که تسلط بر منطقه وسیع اوراسیا، به‌ویژه مناطق مرکزی و جنوب آسیا، منجر به تسلط بر جهان خواهد شد. هند به‌عنوان دروازه جنوبی این منطقه، نقش کلیدی در ایجاد توازن قدرت در این قلمرو ایفا می‌کند. (Mackinder, 1904) پژوهش‌های معاصر نیز این دیدگاه را تأیید می‌کنند؛ برای مثال، کارنگی انداومننت (Carnegie Endowment) در گزارشی در سال ۲۰۲۱ تأکید کرد که هند به‌عنوان یک پل استراتژیک بین آسیای جنوبی و آسیای مرکزی، در مسیرهای انرژی و ترانزیت منطقه‌ای نقش محوری دارد (Carnegie Endowment, 2021) از منظر قدرت دریایی، نظریه آلفرد ماهان (۱۸۹۰) درباره اهمیت کنترل گذرگاه‌های آبی و توسعه نیروی دریایی، همچنان اعتبار دارد. هند با کنترل گذرگاه‌های کلیدی اقیانوس هند، نظیر تنگه مالاکا که حدود ۸۰ درصد نفت وارداتی هند از این مسیر عبور می‌کند (BP Statistical Review, 2023)، توانسته جایگاه راهبردی خود را در حوزه امنیت انرژی تثبیت کند. داده‌های وزارت نفت هند نشان می‌دهد که حدود ۸۵ درصد از واردات نفت هند از طریق مسیرهای دریایی اقیانوس هند انجام می‌شود که امنیت این گذرگاه‌ها برای اقتصاد هند حیاتی است (Ministry of Petroleum and Natural Gas, 2023).

در حوزه امنیت، هند با توجه به تنش‌های مرزی طولانی‌مدت با چین و پاکستان،

استراتژی‌های امنیتی پیچیده‌ای را دنبال می‌کند. برخوردهای مرزی در لاداخ که منجر به درگیری نظامی در سال ۲۰۲۰ شد، نمونه‌ای بارز از اهمیت ژئوپلیتیک این منطقه است (International Crisis Group, 2021). هند برای مقابله با این تهدیدها، بودجه دفاعی خود را به‌طور مداوم افزایش داده است؛ به‌طوری‌که هزینه‌های نظامی هند در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۷۵ میلیارد دلار رسیده و پس از ایالات متحده و چین، سومین بودجه نظامی جهان را به خود اختصاص داده است. (SIPRI, 2024). این افزایش بودجه، نشان‌دهنده اهتمام هند به حفظ توازن قدرت و تقویت حضور نظامی در مناطق حساس است.

از منظر دیپلماسی منطقه‌ای، هند تلاش می‌کند با تقویت همکاری‌های چندجانبه و شرکت در سازمان‌های منطقه‌ای مانند SAARC و SCO، نفوذ خود را گسترش دهد. به‌ویژه، عضویت هند در سازمان همکاری شانگهای از سال ۲۰۱۷، زمینه تعامل بیشتر با قدرت‌های آسیایی را فراهم کرده است. (Pant, 2019). علاوه بر این، هند با تقویت اتحاد چهارگانه (Quad) متشکل از ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و هند، به دنبال حفظ امنیت دریایی و مقابله با نفوذ استراتژیک چین در منطقه هند-آرام است. (Tellis, 2022). این اتحاد نمونه‌ای از واکنش هند به تغییر موازنه قوا در منطقه است و اهمیت آن در تضمین ثبات استراتژیک منطقه‌ای برجسته است. مطالعات موردی نیز اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک هند را روشن می‌کنند. به‌عنوان مثال، پروژه بندر چابهار در ایران که هند در آن سرمایه‌گذاری کرده است، به‌منظور ایجاد دسترسی مستقیم هند به آسیای میانه بدون عبور از خاک پاکستان است. (Malone, 2020). این پروژه استراتژیک، نمونه‌ای از تلاش هند برای گسترش نفوذ اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود در منطقه و مقابله با محاصره جغرافیایی است. در نتیجه، چارچوب نظری ژئوپلیتیک در تحلیل جایگاه هند، مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی، امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک را در نظر می‌گیرد که هند را به بازیگری کلیدی در نظم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرده است. این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که هند

چگونه با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی خاص خود و اجرای سیاست‌های استراتژیک، توانسته است نقش مهمی در تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا ایفا کند و به تعادل قدرت در منطقه کمک نماید.

سیاست خارجی جدید کشور هند

کشور هندوستان با کسب استقلال در سال ۱۹۴۷ از کشور انگلستان با سیاست خارجی که منبث از مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه آن کشور بود به عرصه وجود گذاشت. هدف فوری سیاست خارجی هند در سال ۱۹۴۷ محیط آرام، فضای راهبردی و استقلال، اجتناب از گرفتاری در درگیری های جنگ سرد با اتحادیه‌ها و پیمان نظامی بود سیاست خارجی هند از بدو استقلال از ماهیتی ارزشی و جهت گیری خاص برخوردار بود و نزدیک به پنج دهه پایه سیاست آن را تشکیل داد، حمایت‌های هند از مبارزات ضد استعماری در اندونزی، مصر، کشورهای آفریقایی و جنوب شرقی آسیا و پایه‌گذاری نهضت عدم تعهد کارکرد این سیاست بود. در سیاست خارجی هند، اگرچه اهداف ایدئولوژیک همانند چین و شوروی وجود داشته است اما خواسته‌های جهان سوم و جنبش غیرمتعهدها که در نخبگان سیاسی هند قبل از استقلال وجود داشت، باعث شد تا در سیاست خارجی، اهداف اقتصادی چندان مدنظر قرار ندهند، اصل خودکفایی تأثیری مضاعف بر این تفکر گذاشت و سیاستمداران هندی کمتر به دنبال سیاست خارجی پویا برای جذب منابع و درآمدهای خارجی بودند. از دهه ۱۹۹۰ هند با درک این موضوع که تداوم سیاست‌های اعتقادی ضربات جبران ناپذیری بر پیکره اقتصاد کشور و دست آخر جایگاه بین‌المللی آن وارد کرده است به سمت اتخاذ رویکردهای عمل‌گرایانه روی آورده است هند پس از استقلال سودای برتری در سر می‌پروراند و این آرمان را از راه (منشور جهان) سیاست ضد امپریالیستی پیگیری می‌کرد، اما نتایج به دست آمده نه تنها این انتظارات

را برآورده نساخت بلکه هند را از دیگر رقبای منطقه‌ای خود عقب‌تر نگه داشت درواقع طی این مدت اساساً هیچ ائتلاف راستینی در جهان سوم وجود نداشت که هند به رهبری آن دست ببازد. از دهه ۱۹۹۰ هند سیاست‌های رادیکال دهه ۱۹۷۰ خود را کنار گذاشت و به سمت سیاست‌های پراگماتیستی و همکاری و همگرایی با جامعه بین‌المللی پیش رفت (کریمی، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۱).

از دهه ۱۹۹۰، مجموعه‌ای از عوامل در سطوح درونی، منطقه‌ای و جهانی موجب تحول در سیاست خارجی هند شده است. در سطح جهانی، شوروی فروپاشید و سیستم دوقطبی عصر جنگ سرد جای خود را به تک قطبی آمریکایی داد. در سطح منطقه‌ای، چین در پی سیاست‌های درب‌های باز و از دوره شیائوپینگ به اقتصادی پویا گذار نمود. در سطح درونی نیز اخلاق‌گرایان، حمایت‌های گذشته مردمی را پس از چهار دهه و در پی ناباروری ایده‌هایشان، از دست دادند و دیدگاه‌های ملی‌گرایی هندو، رئالیسم و لیبرالیسم در حوزه سیاست خارجی کشور رشد یافتند. برخلاف اخلاق‌گرایی، دیدگاه‌های نو قواعد و هنجارهای نظم بین‌المللی را مشروع تلقی می‌نمایند. در عرصه بیرونی نیز فشارهای ناشی از افزایش فزاینده قابلیت‌های چین در سطح منطقه‌ای و برآمدن تک قطبی آمریکایی به مثابه متغیرهای تأثیرگذار موجب تحول در جنبه‌هایی از سیاست خارجی هند شده است. در نتیجه تأثیرات این متغیرها، هند نسبت به نظم موجود بین‌المللی از تجدیدنظرطلبی با اهداف نامحدود به تجدیدنظرطلبی با اهداف محدود سوق یافته است. این دگرگونی در سیاست خارجی هند در شکل ترک جهان سوم گرایی و عدم تعهد و اتخاذ عمل‌گرایی اقتصادی نمایان شده که براساس آن، رشد در درون نظم مستقر بین‌المللی را به تلاش برای دگرگونی اساسی قواعد و هنجارهای نظم موجود ترجیح داده است. از این رو، از اوایل دهه ۱۹۹۰ هند، سیاست‌های رادیکال دهه ۱۹۷۰ خود را کنار گذاشته و با پذیرش اقتصاد بازار، افزایش ثروت اقتصادی را در پیش گرفته است (بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۸۹-۱۸۸). بنابراین

سیاست خارجی هند از جهان سوم گرایی به عمل-گرایی اقتصادی تبدیل شد، به عبارتی هند از تجدیدنظرطلبی با اهداف نامحدود نسبت به نظم بین‌المللی به تجدیدنظرطلبی با اهداف محدود دگرگون شده که متعاقب آن دهلی نو در ابتدا سیاست نگاه به شرق را به مثابه رهیافتی نو به جنوب شرقی آسیا مطرح کرد و در ادامه از سال ۲۰۰۵، سیاست نگاه به غرب را اعلان داشته است که ذیل آن سیاست‌های عمل‌گرایانه با هدف توسعه اقتصادی خود جایگزین سیاست‌های ایدئولوژیک گذشته در خاورمیانه و آفریقا کرده است و در چارچوب آن مناسبات هند با پادشاهی‌های عربی حوزه خلیج فارس نیز متحول شده است (جانسیز، ۱۳۹۵: ۳۰).

یکی دیگر از زمینه‌های تحول در سیاست خارجی هند روابط هند با قدرت‌های بزرگ است. پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به هند این اجازه را داد که گسترش هم‌زمان روابط با همه قدرت‌های بزرگ را دنبال کند. رابطه با ایالات متحده، به هدف اصلی استراتژیک ملی تبدیل شده است. از طرف دیگر روسیه همچنان یک منبع مهم تأمین تسلیحات و یک شریک استراتژیک است. در همین حال، روابط هند با اروپا، چین و ژاپن بسیار متنوع‌تر شده است. ارتقاء روابط با چین از اوایل دهه ۱۹۹۰ یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای سیاست خارجی جدید هند بوده است. روابط گذشته محتاطانه با چین اکنون در یک همکاری استراتژیک برای صلح و توسعه شکوفا شده است؛ و چین به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری هند به حساب می‌آید. هندوستان پس از گذشت چندین دهه غفلت از تحولات منطقه‌ای اقتصادی و سیاسی، اکنون در سازمان‌های مختلف منطقه‌ای از نشست آسیای شرقی تا اتحادیه آفریقا مشارکت فعال دارد. هند همچنین در صدد تعریف مجدد سیاست‌های خود در قبال کشورهای اسلامی است. جمعیت بزرگ اسلامی - نزدیک به ۱۵۰ میلیون نفر - همواره عامل مهمی در سیاست خارجی هند بوده است. در گذشته صرفاً به معنای حمایت از اهداف مختلف اسلامی بود؛ اما امروزه، روابط

با جهان اسلام براساس همکاری‌های اقتصادی و تجاری، امنیت انرژی و همکاری در زمینه مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم، عمیق‌تر شده است. این امر عمق و وسعت بی‌سابقه‌ای به روابط هند با جهان اسلام از زمان پایان جنگ سرد بخشید است (Raja Mohan, 2006: 1-9).

از زمان روی کار آمدن مودی، وی سیاست خارجی را در اولویت قرار داده است. علیرغم شجره‌نامه ایدئولوژیک، شخصیت و سبک رهبری مودی بسیار اقتصادی و هوشمندانه است. نارندرا مودی نخست‌وزیر هند تا حدی احساس ملی‌گرایی را وارد سیاست خارجی هند کرده است. همچنین مودی دیپلماسی هند را وارد عرصه عمومی کرده و حوزه تأثیر مردم عادی هند بر اولویت‌های سیاست خارجی را افزایش داده است. وی قاطعیت و عمل‌گرایی خود را به‌عنوان نخست‌وزیر تعیین کرده و این ویژگی‌ها در رویکرد وی به سیاست خارجی هند و به ویژه روابط هند و آمریکا نمایان شده است. در طی سه ماه از تصدی مقام، وی نخستین نشست سطح اجلاس خود با باراک اوباما را برگزار کرد دولت مودی به سرعت فعالیت خود را برای نو سازی دفاعی هند شروع کرد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید دفاعی هند به طور چشمگیری افزایش یافته است به طوری که بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، هند تقریباً ۷ میلیارد دلار تجهیزات دفاعی از ایالات متحده خریداری کرد دولت جدید توانسته است اختلافات مرزی را تا حدودی حل کند (V. Pant, Joshi, 2016: 49-50).

بنابراین هند هم اکنون قدرتی نوظهور است که درصدد تفوق ایدئولوژیک و دگرگونی اساسی نظم بین‌المللی نیست، بلکه با توجه به هنجارها و قواعد نظم بین‌المللی، درصدد ارتقاء وضعیت و موقعیت خود در درون نظم موجود است. گشایش اقتصادی و حرکت شتابان به سوی اقتصاد بازار و وابستگی متقابل اقتصادی، نرخ رشد باثبات و بالای اقتصادی، کسب و افزایش قابلیت‌های هسته‌ای نظامی، پیوستن به ایالات متحده به‌عنوان متحد طبیعی است و به طور کلی به دنبال ارتباط استراتژیک با غرب در مسائل امنیتی

سیاسی و اقتصادی و تکنولوژیک و با خاورمیانه در حوزه تجارت سرمایه گذاری و انرژی است.

مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی هند

سیاست خارجی هند نسبت به جهان بیرون طی یک و نیم دهه گذشته دچار تغییرات اساسی شده است. این تغییر نگاه و اولویت امر اقتصادی در سیاست خارجی باعث نزدیکی هند به قدرت‌های بزرگ و حتی رقبای منطقه‌ای آن از جمله پاکستان و چین شده است. تغییر دیگری که در سیاست خارجی هند اتفاق افتاده دوری گزیدن از ایده رهبری جهان سوم و رسیدن به این درک که ظرفیت ظاهر شدن به عنوان یک قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل را دارد است. اندیشه ضد غربی در سیاست خارجی هند به حاشیه رفته و این کشور به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان بیشترین تعهد را به ارزش‌های غربی بیرون از جهان یورو-آتلانتیک دارد. در نهایت تغییر جهت دیگر به حرکت از آرمان‌گرایی به سمت واقع‌گرایی در قالب عمل‌گرایی بوده است. آرمان‌گرایی طبیعتاً مربوط به رهبران دهه اول استقلال هند برای مثال جواهر لعل نهرو بود. رهبران جدید هند به مفهوم «سیاست قدرت» توسل می‌جویند. (mohan,2006,3-4) با همه تغییر و تحولاتی که در راهبرد کلان سیاست خارجی هند اتفاق افتاده مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها وجود دارد که سیاست خارجی هند را در عصر حاضر تحت تأثیر قرار می‌دهد. این عوامل عبارتند از:

ضد نژادپرستی: هند پیوسته از ایجاد جامعه برابری انسانی حمایت می‌کند که تبعیض براساس رنگ، نژاد، طبقه و غیره وجود نداشته باشد. هند قاطعانه معتقد است نژادپرستی یکی از منابع درگیری در جهان است و بنابراین تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. هند از تلاش‌های سازمان ملل در زمینه تصویب میثاق حقوق بشر و رعایت آزادی‌های اساسی در سراسر جهان حمایت کرده است (Rafi, Shrivastava, Akhtar,2015:215).

— تغییر ذهنیت «ضد غربی» سیاستمداران هندی در جهت دهی به سیاست خارجی کشور: تا پیش از این، در دهه ۱۹۷۰، سیاست گذاران هندی علت تمام مشکلات و مصائب کشور را در دستان پنهان سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و دخالت آمریکا در امور داخلی شان جستجو می کردند، اما امروزه این تلقی کاملاً کنار گذاشته شده است. حتی این تفکر در بین عموم مردم نیز از بین رفته است، به طوری که براساس تحقیقات به عمل آمده، هندی ها دومین کشور علاقه مند به آمریکا با سهم ۷۱ درصدی و در مقام دوم بعد از خود مردم آمریکا (با میزان ۸۳٪) قرار دارند. امروزه، دومین دموکراسی بزرگ دنیا، از بیشترین میزان تطابق و سازگاری با ارزش های سیاسی غرب در جهان خارج از اروپا - آتلانتیک برخوردار می باشد. در مورد تغییر جهت آشکار از سیاست «ضد غربی»، میان گروه های شکل دهنده به سیاست خارجی اجماع وجود دارد و این رویکرد از حمایت گروه های چپ و راست و نیز ساختار امنیتی کشور برخوردار است. (توحیدی، ۱۳۸۶)

— رقابت و همکاری تجاری با چین جهت دستیابی به بازارهای منطقه‌ای: سیاست دهلی نو تا اواخر دهه ۱۹۸۰ که مبتنی بر تعامل فعال با چین بوده است، تنش را به عنوان ویژگی اصلی روابط دو کشور طی دهه های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، به فراموشی سپرده است تجارت دوجانبه، در سال های اخیر رشد چشمگیری یافته است، این روابط از کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار در اوایل دهه ۱۹۹۰، نزدیک به ۸۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ ارتقاء یافته است و اینک چین دومین شریک تجاری هند بعد از ایالات متحده است و پیش بینی می شود طی سال های آینده، ایالات متحده و اتحادیه اروپا را به عنوان شرکای تجاری اصلی هند پشت سر بگذارد. همواره چین به عنوان شاخصی در ذهن سیاستمداران هندی به منظور

قضاوت پیرامون پیشرفت‌های اقتصادی و جایگاه سیاسی خود مورد توجه است. به‌هر حال، وسعت، قرابت جغرافیایی و رشد سریع و تلاش در جهت رسیدن به استانداردهای قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی، مطمئناً رقابت را به ویژگی روابط دو کشور تبدیل خواهد کرد (شهیدانی، پاک‌زاد، ۱۳۹۷: ۴۷).

– رقابت منطقه‌ای با پاکستان: پاکستان چالش‌برانگیزترین همسایه هند است زیرا پابرجاست. دارای توان نظامی، هسته‌ای و موشکی قابل توجهی است و از اهمیت راهبردی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای باهدف نفوذ به درون هند برخوردار است.

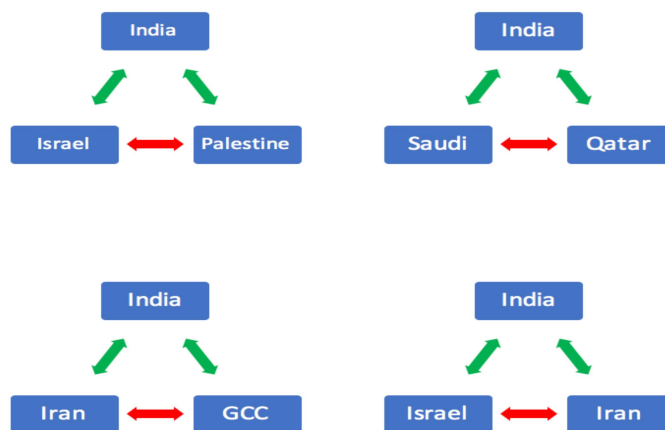
– حفظ سطح مناسبی از رشد اقتصادی: برای حفظ سطح مناسبی از رشد اقتصادی باید به مراکز انرژی ارزان قیمت دست پیدا کند. هند در حال حاضر ۷۰ درصد نفت و ۵۰ درصد از گاز مورد نیاز اقتصاد داخلی را از خارج وارد می‌کند؛ در نتیجه وابستگی هند در این بخش باعث می‌شود به سمت کشورهای دارای منابع نفت و گاز دنیا از جمله خاورمیانه، افریقا و نیمکره غربی متمایل شود.

– توان هسته‌ای و بازدارندگی: هند از طریق سیاست هسته‌ای در تلاش است تا ضمن ایجاد موازنه‌ای در برابر قدرت فزاینده نظامی – هسته‌ای چین و پاکستان از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در مناطق پیرامونی جلوگیری به عمل آورد.

– کنترل جدایی‌طلبی در مناطق مسلمان‌نشین به‌خصوص جامو و کشمیر: هند با دربرداشتن اقلیت بزرگ مسلمان در بخش‌های شمالی و جنوب غربی و جدایی‌طلبی آنها به‌ویژه در مناطقی چون جامو و کشمیر همواره تلاش کرده است تا رابطه توأم با احتیاطی را با کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه از جمله ایران، عربستان سعودی، مصر و ترکیه برقرار کند (طاهری، بیات، ۱۳۹۷: ۹۴).

– رقابت میان احزاب سیاسی در هند: بیش از ۷۰۰ حزب سیاسی مهم در کشور هند مشغول به فعالیت سیاسی هستند رقابت میان احزاب سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی هند است. با قدرت‌گیری احزاب چپ در این کشور مخالفت‌ها با رابطه نزدیک هند و امریکا شدت گرفت. (رقابت احزاب سیاسی در هند، ۱۳۹۸/۱/۲۶)

– تنوع قومی مذهبی جامعه هند: در قانون اساسی هند ۲۲ زبان به رسمیت شناخته شده که در بخش‌های مختلف جغرافیایی این کشور پراکنده هستند. از نظر مذهبی نیز از هر نوع مذهبی در هند وجود دارد. برای نمونه، ۸۰ درصد از جمعیت این کشور را هندوها، ۱۳/۴ درصد مسلمانان، مسیحیان ۲/ درصد، سیک‌ها ۱/۹ درصد، یهودیان، زرتشتیان و بهائیان سایر جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. با این ترکیب متنوع قومی – مذهبی در هند هر حزبی و گروهی که قدرت را به دست بگیرند بایستی اینچنین ملاحظاتی را مدنظر قرار دهند (Malone & Mukherjee, 2010:150).



روابط هند با کشورهای خاورمیانه، فلش‌های قرمز حاکی از روابط منفی است و فلش‌های سبز حاکی از روابط مثبت است

جایگاه غرب آسیا در سیاست خارجی هند

هند با غرب آسیا، منطقه‌ای گسترده واقع در همسایگی هند، روابط تمدنی عمیقی دارد. این منطقه میزبان بیش از ۸ میلیون هندی است و بزرگ‌ترین شریک اقتصادی و تجاری هند به حساب می‌آید. تعداد زیادی از هندی‌ها از لحاظ عاطفی و عقیدتی نیز وابسته به این منطقه می‌باشند زیرا که میزبان دو مسجد مقدس و تعدادی مکان‌های مقدس در ارتباط با مسیحیت و اسلام در خود جا داده است. منابع هیدروکربنی فراوان خلیج فارس برای امنیت انرژی هند بسیار حیاتی است و این منطقه منبع اصلی ارسال حواله کارگران هندی شاغل در آنجا است. هند با اکثر کشورها در غرب آسیا روابط گسترده‌ای دارد و شامل همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم می‌باشد. امنیت و رفاه هند عمیقاً با امنیت غرب آسیا در هم تنیده است؛ بنابراین، تحولات مداوم آن مورد توجه ویژه هند است. در همین زمینه است که گروه سیاست دهلی در سال ۲۰۱۶ پروژه‌ای به نام DPG را برای بررسی ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همچنین روندهای نوظهور در غرب آسیا راه‌اندازی کرد. تمرکز اصلی این پروژه بر محرک‌های اصلی این تحول و بازیگران اصلی بود همچنین توجه ویژه به شکل‌گیری اندیشه و عمل اسلامی در منطقه و تأثیر وهابیت، ولایت‌فقیه، اخوان‌المسلمین و جهادگرایی سلفی و تأثیر همه‌جانبه آنها در منطقه صورت گرفت. این پروژه همچنین به بررسی قدرت‌های اصلی منطقه‌ای - مصر، ایران، اسرائیل، عربستان سعودی و تعامل آنها با یکدیگر و همچنین مناطقی که درگیر این درگیری هستند - عراق، سوریه و یمن پرداخته است (singh, 2018: 1-3). روابط هند با کشورهای غرب آسیا در حوزه امنیتی نیز شامل همکاری‌هایی گسترده در مبارزه با تروریسم و مقابله با افراط‌گرایی است. امنیت و رفاه هند به‌طور مستقیم به ثبات منطقه وابسته است و به همین دلیل، تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا به‌دقت توسط سیاست‌گذاران هند پیگیری می‌شود (Delhi Policy Group, 2016).

سیاست دهلی (DPG) در سال ۲۰۱۶ پروژه‌ای تحقیقاتی برای بررسی روندهای نوظهور در ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب آسیا راه اندازی کرد که تمرکز ویژه‌ای بر نقش اندیشه‌های اسلامی از جمله وهابیت، ولایت فقیه، اخوان‌المسلمین و جهادگرایی سلفی داشت. (Delhi Policy Group, 2016) این پروژه همچنین تعاملات میان قدرت‌های منطقه‌ای اصلی همچون ایران، عربستان سعودی، مصر و اسرائیل و تأثیر آنها بر بحران‌های جاری در عراق، سوریه و یمن را تحلیل کرد (Delhi Policy Group, 2016).

با روی کار آمدن هزاره جدید، یک چرخش فوق العاده در روابط بین شورای همکاری خلیج فارس (G.C.C) و هند رخ داده است. در مجموع کشورهای GCC به مهم‌ترین شرکت‌های تأمین‌کننده نفت و گاز و شریک تجاری پیشرو هند تبدیل شده‌اند. هندی‌ها بزرگ‌ترین گروه مهاجران در هر یک از شش کشور G.C.C هستند. ۳،۰۵۰،۰۰۰ هندی در عربستان سعودی زندگی و کار می‌کنند که بیشترین تعداد دارندگان گذرنامه‌های هندی را در خارج از کشور تشکیل می‌دهند و به دنبال آن ۲،۸۰۰،۰۰۰ در ایالات متحده آمریکا قرار دارند (gupta,2017:25).

Country	Indian population	% of total population
Saudi Arabia	< 4 million	9
Kuwait	700,000	11
UAE	< 2 million	16
Qatar	650,000	18
Bahrain	400,000	29
Oman	450,000	<20

جمعیت هند در کشورهای حوزه خلیج فارس.

منبع: indian foreign policy in mena

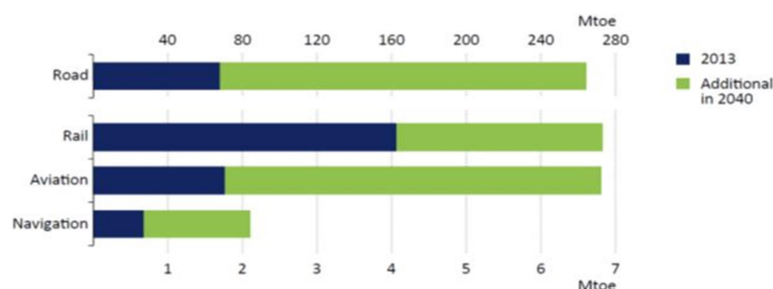
به طور کلی جایگاه و اهمیت غرب آسیا برای هند را می توان از سه جنبه بررسی کرد که در زیر به بررسی هر یک از اینها می پردازیم:

تأثیرات اقتصادی غرب آسیا بر هند

اقتصاد هند چهارمین اقتصاد بزرگ جهان است هند به رغم رکود اقتصادی جهانی با رشد اقتصادی متوسط بالاتر از ۹ درصد طی چند سال گذشته به یک قدرت اقتصادی تبدیل شده است این میزان رشد نزدیک به رشد اقتصادی کشور همسایه آن چین است طبق سنجشی که بر مبنای برابری قدرت خرید صورت گرفته، اقتصاد هند با داشتن تولید ناخالص داخلی GDP ۳/۶۱۱ تریلیون دلار، در مقام چهارم قرار دارد. هند همیشه یکی از منابع و استعدادها برای سرمایه گذاران جهانی بوده است (کریمی، ۱۳۹۴: ۸۵).

حجم تجارت میان هند و کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ برابر با ۱۸۷ میلیارد دلار بوده است که کشورهای این منطقه را تبدیل به بزرگ ترین شریک تجاری هند کرده است. اقتصاد هند و بسیاری از کشورهای خاورمیانه مکمل یکدیگر هستند. از یک طرف، هند تشنه منابع انرژی است و نیروی کار اضافه دارد؛ از طرف دیگر بسیاری از کشورهای خاورمیانه به شدت نیازمند نیروی کار هستند مشتاق خواهند بود تا انرژی را به شرکای منطقه ای و تجاری خود بفروشند. امروزه، منطقه خلیج فارس به تنهایی میزبان ۸ میلیون مهاجر هندی است که سالانه مبلغی حدود ۴۰ میلیارد دلار درآمد به کشور خود می فرستند. نارندرا مودی نخست وزیر هند برای این روند سیاسی حتی شعار هم ابداع کرده است: «پیوند با غرب». این پیوند باعث می شود خاورمیانه همان جایگاهی را داشته باشد که جنوب شرق آسیا در سیاست «پیوند با شرق» هند پیدا کرده است. وزیر امور خارجه هند، خانم سوشما سواراج، در سال ۲۰۱۴ از بحرین، عمان و امارات متحده عربی دیدار کرد. در امارات، او سعی کرد مقامات این کشور را به سرمایه گذاری در هند تشویق

کند؛ در بحرین، در گردهمایی جامعه هندیان مهاجر حضور یافت و در عمان، تکثر فرهنگی این کشور را ستود. دهلی همچنین در نوامبر ۲۰۱۴، میزبان مجمع همکاری هند و کشورهای عربی بود که هدف آن تشویق هر چه بیشتر به همکاری هندوستان و کشورهای عربی و ملاقات‌های سالانه در سطح وزارت است. دهلی همچنین با همکاری اتحادیه عرب، چهارمین کنفرانس همکاری‌های هند و کشورهای عربی را برگزار کرد تا سطح روابط را ارتقاء دهد. نارندرا مودی اندکی پس از انتخابش به نخست‌وزیری، اولین همایش رسانه‌ای هند و اتحادیه عرب را برگزار کرد. (Pethiyagoda, 2015) تاریخ طولانی درگیری سیاسی و اقتصادی هند با منطقه را نمی‌توان انکار کرد اتکا به نفت منطقه خلیج فارس که هفتاد درصد الزامات انرژی کشور هند را برآورده می‌کند و بخش عمده تجارت از طریق کانال سوئز انجام می‌شود. در سال مالی منتهی به مارس ۲۰۱۳، میزان حواله از GCC به هند از ۱۶,۴۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۲۴,۹۳ میلیارد دلار افزایش یافت. GCC همچنان به‌عنوان منبع اصلی حواله به هند رو به رشد است و حدود ۶,۵ میلیون مهاجر هندی در آن کار می‌کنند. (siddiqui,2014) سرمایه‌گذاری‌های حوزه خلیج فارس در بخش انرژی هند با وجود پایین آمدن قیمت نفت در سال‌های اخیر شروع شد. در اکتبر سال ۲۰۱۸، DP World دبی امتیاز ۷۸ میلیون دلاری برای توسعه یک منطقه انبارداری در بزرگ‌ترین بندر کانتینر هند، در بمبئی را به دست آورد. علاوه بر این، شرکت آرامکو عربستان سعودی و نفت ملی ابوظبی موافقت کرده است تا بیش از ۴۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در پالایشگاه بزرگ نفت Ratnagiri هند در ماهاراشترا سرمایه‌گذاری کند، هرچند که این پروژه هنوز شروع نشده است. همچنین در ماه می سال ۲۰۱۸، غول صنایع سنگین پتروشیمی عربستان سعودی در نظر گرفت که ۵۰ درصد سهام کارخانه ۴,۶ میلیارد دلاری پتروشیمی در ایالت گجرات هند، حوزه انتخابیه مودی را به دست آورد (Hasan Alhasa,2019).



نمودار ۱- افزایش تقاضای انرژی هر بخش از حمل و نقل در سال ۲۰۴۰ هند

منبع: <https://vcstudy.ir>

موضوع انرژی که مهم‌ترین زیرمجموعه اقتصادی هند در منطقه غرب آسیاست، عاملی مهم در روابط هند و دولت‌های حوزه خلیج فارس است. این دولت‌ها به‌علاوه ایران و عراق به منبع اولیه تأمین نفت و گاز وارداتی هند تبدیل شده‌اند. در زمینه تجارت و بازرگانی حوزه شورای همکاری خلیج فارس به یکی از مقصدهای صادرات هند تبدیل شده است. واردات هند نیز از این حوزه افزایش یافته است، در سال ۲۰۰۵، دو درصد از مجموع صادرات این شش دولت به هند بود که تا سال ۲۰۱۴ به یازده درصد رسیده است در سال ۱۹۷۵، جمعیت هندی‌تبارهایی که در پادشاهی سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس اشتغال داشتند حدود ۲۷۵ هزار نفر بود که تا سال ۲۰۱۵، به بیش از شش و نیم میلیون نفر رسیده است. در واقع چالش اشتغال شش و نیم میلیون نفر از نیروی کار هند این‌گونه رفع شده است، علاوه بر آن چنین جمعیت عظیمی از نیروی کار سالیانه سرمایه قابل توجهی را به هند انتقال می‌دهند، بر طبق آمار بانک مرکزی هند، در سال ۲۰۱۱، بیست و نه میلیارد و شصت و نه میلیون دلار از این طریق از حوزه شورای همکاری خلیج فارس به هند انتقال داده شده است؛ که معادل ۴۳ درصد از مجموع ۶۳ میلیارد دلاری است که در سال ۲۰۱۲، نیروی کار هند از اقصی نقاط جهان به داخل کشور انتقال داده‌اند. در نوامبر ۲۰۰۷ بحرین و هند یک تریبون همکاری مشترک فنی و اقتصادی ایجاد کردند که کمیته‌ای برای ملاقات و مذاکرات دوجانبه مقامات وزارت خانه‌های دو دولت

ایجاد کرده است. مهم ترین کالاهایی که از هند به بحرین صادر می‌کند شامل قطعات صنعتی، خدمات رایانه‌ای، مواد پلاستیکی، مواد پتروشیمی، سیمان، تجهیزات الکترونیکی، مواد غذایی و محصولات کشاورزی است. روابط هند و قطر چندبعدی و گسترش یافته است. رشد روابط بازرگانی دو کشور با رشد اقتصادی‌شان تقویت شده است. در سال ۲۰۱۰ هند سومین صادرکننده بزرگ به قطر بوده است؛ در این سال هند ۷ میلیارد دلار کالا به قطر صادر کرده است. در سال ۲۰۱۱ صادرات هند به قطر حدود ۸ درصد از صادرات جهانی هند را تشکیل داده است. قطر به طور کلی از هند محصولات کشاورزی و صنعتی از جمله برنج، پنبه، چایی و قطعات صنعتی و تجهیزات خدمات کامپیوتری وارد می‌کند و در مقابل به هند نفت و گاز صادر می‌کند. (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۱-۴۳)

Country	Trade in Millions of USD		Relevance to India
	2001	2018	
Gulf Cooperation Council	5,000	120,000 ²⁶	Power brokers, oil and gas, NRI population, defense and counter-terrorism cooperation, remittances
Israel	1,000	5,000 ²⁷	Defense cooperation, U.S. ties
Iran	2,000	16,000 ²⁸	Oil and gas, Afghanistan, Central Asia
Palestine			Ideological support

خلاصه‌ای از روابط و حجم تجاری با کشورهای حوزه خلیج فارس

اهداف هند از حضور در بندر چابهار

هند با جمعیتی بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر و چهارمین اقتصاد بزرگ دنیا، دومین کشور پرجمعیت پس از چین است. رشد اقتصادی متوسط هند موجب شده این کشور، پنجمین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در دنیا گردد و پیش‌بینی می‌شود تا سال 2030 به سومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی پس از آمریکا و چین تبدیل شود؛ اما در مقابل

انرژی گسترده ای ندارد. هند در راستای متنوع‌سازی بازارهای انرژی خود کوشش می‌کند تا به افغانستان و آسیای مرکزی توجه کند. در شهریورماه ۱۳۳۳، زمانی که موافقت‌نامه کریدور شمال و جنوب در سن‌پترزبورگ میان وزرای حمل‌ونقل سه کشور ایران، هند و روسیه به امضا رسید، چابهار به عنوان بندری راهبردی در این کریدور معرفی و بندر چابهار و راه هوایی زمینی اتصال آن به مرز ترکمنستان، کوتاه‌ترین مسیر حمل‌ونقل زمینی کالا در کریدور شد و شاهراه تغذیه کشورهای آسیای میانه معرفی گردید. بندر چابهار برای هند به‌عنوان خروجی اقیانوس هند در کریدور ترانزیتی بزرگ بین‌المللی شمال جنوب است و دسترسی دهلی‌نو به آسیای مرکزی، روسیه و درنهایت بازارهای اروپایی را فراهم خواهد کرد و سبب خواهد شد تا هند برای تجارت با کشورهای آسیای میانه، دیگر نیازی به حمل کالاهای خود از طریق خاک پاکستان نداشته باشد همچنین، این مسیر می‌تواند گزینه ترانزیت کالا از هند به اروپا باشد. (اعظمی، سلطانی، ۱۳۹۵: ۵) هند با توجه به مشکلات متعدد سیاسی با پاکستان، تمایلی برای استفاده از مسیر ترانزیتی بندر کراچی به کشورهای آسیای میانه و افغانستان نداشته و بنا به رقابت‌های اقتصادی با چین، درصدد نفوذ در بازارهای کشورهای محصور در خشکی است. هزینه ارزان ترانزیت کالا از مسیر چابهار، فرصت ویژه‌ای برای هندی‌ها جهت دسترسی به بازار افغانستان است. مقامات هند با تأسیس یک شرکت بین‌المللی دریایی (گلوبال پورتنس) در چابهار جهت هماهنگ‌سازی فعالیت‌های بندری و اختصاص خط اعتباری ۱۵۰ میلیون دلاری توسعه چابهار، امیدوارند از این پس، نیازهای بازار افغانستان و آسیای میانه را از مسیر چابهار تأمین کنند به‌عنوان نمونه، نخستین محموله‌ی گندم کمکی هند به افغانستان از طریق بندر چابهار وارد این کشور شد. اندکی پس از آن، محموله‌ی سوم گندم هند وارد بندر شهید بهشتی چابهار گردید. این محموله‌ها، بخشی از ۱۱۰ هزار تن گندم وعده شده‌ی هند به افغانستان هستند انتقال محموله‌های گندم، ضمن رفع موانع جغرافیایی، بر گسترش روابط

تجاری و منطقه‌ای هند، افغانستان و ایران می‌افزاید (اسلامی، یوسف‌زهی، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

تأثیرات سیاسی غرب آسیا بر هند

منطقه غرب آسیا در مرکز تحولات سریع و ناگهانی جهانی قرار گرفته است که دلیلی بر تکانه‌های شدید دوران گذار در عرصه روابط بین‌الملل در دوران حاضر است. چنانچه به مقوله‌های جدید روابط بین‌الملل نظر بیفکنیم از مسائل محیط زیستی و امنیت انرژی گرفته تا تروریسم، افراط‌گرایی و حقوق بشر، این منطقه بیش از هر نقطه‌ای در جهان در میانه کش‌ها و واکنش‌ها قرار دارد و حتی برخی آن را موش آزمایشگاهی جهان می‌دانند. اهمیت منطقه غرب آسیا در چهارچوب راهبرد کلان سه دایره هم‌مرکز هند و در دومین آنها تعریف می‌شود مقصود از سه دایره هم‌مرکز به ترتیب منطقه شبه قاره هند، سپس آسیا و به طور ویژه، آسیای جنوب شرقی و آسیای غربی و شمال آفریقا و در نهایت حوزه‌های اروپا و آمریکاست. مسیری که در تعریف خواسته‌های این قدرت آرزومند از اقیانوس هند آغاز شده است، بی‌تردید به سمت غرب کشیده خواهد شد تا فرصت کافی را برای نقش‌های جدید بین‌المللی هند در منطقه راهبردی غرب آسیا مهیا سازد و در این مسیر هند بیش از شناسایی دشمن به دنبال یافتن متحدان استراتژیکی برای خود است تا در روندی مسالمت‌آمیز جایگاه خود را در میان دولت‌ها و ملت‌های منطقه به‌عنوان یک کشور قابل اعتنا و اجتناب‌ناپذیر تثبیت کند. (امراللهی، ۱۳۹۵: ۲۱۰) منافع و سیاست‌های هند در قبال غرب آسیا از نظر تاریخی خطی بوده است دهلی‌نو در زمان‌های مختلف نقش‌های مختلفی را برای حفظ جایگاه‌های خود در منطقه، یعنی حفظ منافع، ضمن حفظ سیاست نهروانی در عدم تعهد و سیاست ضد مداخله‌گرایی ایفا کرده است. هند تا حدود زیادی رویکرد خود را نسبت به سه قطب نفوذ در منطقه - عربستان سعودی، اسرائیل و ایران به شکلی موفقیت‌آمیز متعادل کرده است، به طوری که هیچ‌کدام از آنها صریحاً از دهلی‌نو به دلیل برخورد با دیگران انتقاد نکردند. دلایل این رویکرد جدید - افزایش

همکاری ضد تروریسم بین ریاض و ابوظبی، مشارکت مشترک در زمینه نفت و گاز با تهران و توسعه دفاعی با اسرائیل - عمدتاً اقتصادی است (Taneja,2016).

هند با بیشتر کشورهای منطقه روابط سیاسی خوبی برقرار کرده است در سال ۱۹۷۲، هند و عمان یک پروتکل نظامی مورد توافق قرار دادند که بر طبق آن پرسنل نیروی دریایی هند می‌توانست از برخی تسهیلات نیروی دریایی عمان استفاده کند. در ادامه آن در ۱۹۸۹ نیروی دریایی هند یک دفتر مشورتی دفاعی در مسقط دایر کرد و عمان نیز متقابلاً در سال ۲۰۰۲ دفتری مشابه در دهلی‌نو باز گشود. همچنین دو دولت هند و بحرین همکاری‌هایشان را در مبارزه با تروریسم تقویت کرده‌اند که البته برای حکومت آل خلیفه مبارزه با تروریسم در درجه اول به معنای تقویت موضع خود در سرکوب مخالفان درونی حکومت است (جانسیز، ۱۳۹۵: ۳۶-۴۳) هند دارای منابع مالی مانند قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه، چین یا ژاپن نیست، بنابراین اقدامات سیاسی وی در قبال منطقه نمی‌تواند با انگیزه‌های مالی همراه باشد، زیرا در مورد قدرت‌های بزرگ امکان‌پذیر است. دهلی‌نو دارای توانایی نظامی و دستیابی به آنچه واشنگتن دی سی انجام می‌دهد، ندارد. با این وجود، هندوستان پس از رویگردانی از امور داخلی سایر کشورها (تا حدودی مانند اتحادیه اروپا) سرمایه دیپلماتیک قابل توجهی را ایجاد کرده است که به دهلی‌نو اجازه می‌دهد تا در قامت یک همکار غیرحزبی بین احزاب رقیب - مانند ایران و عربستان سعودی، فعالیت کند. قطر و عربستان سعودی، قطر و امارات، ایران و امارات، ایران و اسرائیل، عربستان سعودی و سوریه، اسرائیل و فلسطین - بین این همه هند تاکنون نوعی توازن را مدیریت کرده است. به نظر می‌رسد هند دقیقاً این توازن را حفظ کرده است زیرا هند هرگز به اختلافات درون منطقه‌ای کشیده نشده است - مانند زمانی که نخست‌وزیر مودی درخواست سعودی برای پیوستن به ائتلاف نظامی را رد کرد که هدف از آن قصد مداخله در جنگ داخلی یمن را داشت (Chatterjee1,2019:237)

تأثیرات فرهنگی غرب آسیا بر هند

روابط میان مردمان جنوب و غرب آسیا پیشینه‌ای به قدمت تاریخ دارد. از دیرباز اشتراکات فرهنگی همکاری‌های سیاسی و تبادلات اقتصادی زمینه‌ساز پیوند میان این سرزمین‌ها شده است؛ از این رو، می‌توان نمونه‌های تاریخی بسیاری از سرنوشت مشترک مردمان این دو گوشه از قاره آسیا را یافت و همین را موجب فهم بهتر این مردم از جوامع یکدیگر دانست. در دوران کنونی نیز حضور میلیون‌ها هندی در کشورهای آسیای غربی برای کار و زندگی و نیز حضور ده‌ها هزار جوان از کشورهای مسلمان غرب آسیا در دانشگاه‌های هندوستان برای تحصیل در رشته‌های گوناگون، زمینه‌ساز پیوندهای نوین اقتصادی، فرهنگی و علمی میان این کشورها شده است. (تیشه‌یار، ۱۳۹۵: ۱۸۴) در دهه‌های اخیر، تعاملات فرهنگی و علمی میان هند و کشورهای غرب آسیا به‌طور قابل توجهی گسترش یافته است. هند به‌عنوان مقصدی مهم برای تحصیل دانشجویان غرب آسیایی تبدیل شده است؛ دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه لوکناو و دانشگاه وادودارا برنامه‌های آموزشی متنوعی در حوزه‌های فرهنگ، زبان و اقتصاد ارائه می‌دهند که به تقویت روابط فرهنگی کمک می‌کند (Ministry of Education, India, 2023).

از آنجاکه غرب آسیا بخش گسترده‌ای از آسیای بزرگ است و برخی از ویژگی‌های جغرافیایی مشخص را در پی دارد، ممکن است شامل نزدیک‌ترین شباهت‌های اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی باشد که ریشه‌های فرهنگی بین هند و غرب آسیا، آشکارا نشان‌دهنده‌ی این امر است. شباهت‌های اجتناب‌ناپذیر بین آنها به این دلیل است که هیچ کشور دیگری در قاره آسیا تاکنون درگیر روابط تاریخی طولانی و پایدار با غرب آسیا به‌عنوان هند نبوده و این امر حاکی از اهمیت ارتباط امروزی بین روابط متقابل آنهاست و این باعث می‌شود که تعامل تاریخی آنها بی‌نظیر باشد. هند رابطه‌ای طولانی و عمیق تاریخی با غرب آسیا داشته است در حقیقت، هند و غرب آسیا از زمان برقراری روابط

تجاری بین تمدن‌های بین‌النهرین و دره ایندوس و هاراپا پیوندهای پیش از تاریخ دارند. کشورهایی مانند کویت و عمان از رویه به عنوان ارز واقعی برای مبادله کالاها استفاده می‌کردند. در حقیقت، این هندوستان بود که به سیستم شمارش کمک کرد و آسیایی‌های غربی نیز روش شمارش اعداد را در جهان توسعه دادند. حتی ظهور مسلمانان و اسلام به هندوستان از طریق این منطقه صورت گرفت؛ بنابراین، تاریخچه طولانی روابط متقابل فکری، سیاسی و تجاری وجود دارد که اثری غیرقابل‌انکار بر فرهنگ‌های هند و غرب آسیا گذاشته است. نفوذ قدرت‌های اروپایی در آسیا در قرن نوزدهم برخی از این پیوندها را گسست، منتها مقاومت مشترک آنها در برابر استعمار در نیمه اول این قرن، هندی‌ها، اعراب و ایرانیان را به هم نزدیک‌تر کرد تا به‌عنوان ارباب سرنوشت خود تبدیل شوند؛ و بر این پایه‌هاست که کل بنای روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین هند و غرب آسیا در طی دهه‌ها پس از استقلال این کشور ساخته شده است. (Tripathi, 2018: 39-40)

فرصت‌های و چالش‌های غرب آسیا برای هند

فرصت‌های هند در غرب آسیا عمدتاً در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی قابل بررسی است. هند حدود ۷۰ درصد از نیاز انرژی خود را از این منطقه تأمین می‌کند و با رشد روزافزون اقتصادی، وابستگی به منابع انرژی غرب آسیا بیشتر خواهد شد؛ بنابراین، تداوم و تعمیق همکاری‌های انرژی برای هند حیاتی است. همچنین، گسترش تعاملات سیاسی از طریق بازدیدهای رسمی و دیپلماسی فعال می‌تواند جایگاه هند را در ساختار قدرت منطقه تقویت کند. این کشور می‌تواند با استفاده از دیاسپورای بزرگ هندی در کشورهای غرب آسیا، به ویژه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، قدرت نرم خود را به شکلی اثربخش به کار گیرد. در حوزه امنیتی، همکاری در مقابله با تهدیدات تروریستی، به ویژه گروه‌هایی مانند داعش، از اهمیت بالایی برخوردار است. این همکاری

نه تنها امنیت منطقه‌ای بلکه امنیت داخلی هند را نیز تضمین می‌کند. علاوه بر این، هند باید از طریق حمایت از قطعنامه‌های بین‌المللی و تعامل چندجانبه، نقش اخلاقی و قانونی خود را در مقابله با تروریسم تثبیت کند. چالش‌های اصلی هند در غرب آسیا از منظر ژئوپلیتیکی و امنیتی نیز قابل توجه است. نخست، نفوذ رو به گسترش چین به ویژه از طریق طرح کمربند و جاده، رقابتی جدی را در منطقه رقم زده است که می‌تواند منافع اقتصادی و سیاسی هند را تحت تأثیر قرار دهد. دوم، بی‌ثباتی مداوم در سوریه، عراق، یمن و منازعات نیابتی میان ایران و عربستان، فضای پیچیده‌ای را برای سیاست خارجی هند ایجاد کرده است. در این میان، حضور فعال بازیگران خارجی مانند آمریکا و روسیه باعث تشدید بحران‌ها شده است. همچنین، روابط نزدیک پاکستان با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) می‌تواند به‌عنوان یک تهدید استراتژیک برای هند محسوب شود. هند باید ضمن رعایت دقت در اتخاذ مواضع سیاسی، از همپوشانی گروه‌های شورشی و تروریستی آگاه باشد و تلاش کند از طریق دیپلماسی هوشمندانه، تعادل قوا را به نفع خود حفظ نماید. از زمان آغاز بهار عرب در سال ۲۰۱۰، وضعیت امنیتی در غرب آسیا به‌طور مداوم رو به وخامت است. اوضاع امنیتی داخلی سوریه، عراق و یمن وخیم‌تر شده است. قدرت‌های منطقه‌ای همچنان به جنگ در خطوط فرقه‌ای ادامه می‌دهند و پول و اسلحه زیادی را برای تقویت گروه‌های موردعلاقه خود پمپاژ می‌کنند. درگیری بازیگران خارج از منطقه مانند آمریکا و روسیه در درگیری‌های داخلی در غرب آسیا وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. بی‌ثباتی غرب آسیا و تأثیرگذاری بر ژئوپلیتیک غرب آسیا و تروریسم به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید امنیتی برای منطقه ظاهر شده است. اتحاد پاکستان به ویژه با GCC و بسیاری از کشورهای غربی آسیا می‌تواند تهدید برای کشور هند باشد (India West Asia Relations, 2019/11/15)

نتیجه‌گیری

تحلیل نقش و جایگاه هند در غرب آسیا نشان می‌دهد که این کشور به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد، وابستگی‌های انرژی و تعاملات چندجانبه، به یک بازیگر راهبردی در معادلات منطقه ای بدل شده است. سیاست خارجی هند در غرب آسیا یک رویکرد همگراست که در آن منافع اقتصادی انرژی و تجارت به‌عنوان موتور محرک و منافع امنیتی و نظامی به‌عنوان اهرم تثبیت‌کننده جایگاه منطقه‌ای هند عمل می‌کنند. این جایگاه‌سازی، هند را از یک بازیگر حاشیه‌ای به یک عامل اساسی در معادله قدرت و ثبات ژئوپلیتیکی غرب آسیا تبدیل کرده است. هند ضمن حفظ سیاست خارجی متوازن و مبتنی بر عدم جانبداری، توانسته است روابط هم‌زمان و متوازن با قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی، ایران، امارات و اسرائیل برقرار کند و از این طریق منافع اقتصادی، امنیتی و سیاسی خود را تضمین نماید. همچنین، اهمیت دیاسپورای هندی در کشورهای غرب آسیا و سرمایه‌گذاری‌های راهبردی در حوزه انرژی، زیرساخت‌ها و فناوری، هند را در مرکز تحولات اقتصادی این منطقه قرار داده است. با توجه به روند رو به رشد نفوذ ژئوپلیتیکی هند و افزایش تعاملات امنیتی به ویژه در مقابله با تهدیدات تروریستی و ثبات منطقه‌ای، پیش‌بینی می‌شود که هند در آینده نزدیک به یکی از بازیگران کلیدی و تعیین‌کننده در ساختار امنیتی و اقتصادی غرب آسیا تبدیل شود.